

ارتباط با آدم‌ها

راه توسعه و تعالی روح

طیبه بیدخام

فعال

حوزه کتاب



مرگ برای همسایه است، مثل جوجه اردک زشت و ملیجکی که با ادا و اطوارهایش حال آدم را به هم می‌زند، «میچ البوم» در کتاب «سه شنبه‌ها با موری» این قاعده را شکست؛ از استاد دانشگاهی حرف می‌زند که مرگ را دودستی بغل کرده و تا لحظه آخر با معشوقه‌اش زندگی، خوش رقصی می‌کند.

در ابتدای داستان همه چیز گل و بلبل است و روزمرگی‌ها ما را سوار بر قطار داستان می‌کند اما نخ تسبیح داستان آنجایی باز می‌شود که موری استاد جامعه‌شناس، به بیماری لاعلاج مبتلا می‌شود. پزشکان به او گفته‌اند مرگش حتمی است و تا دو سال دیگر باید ریق رحمت را بنوشد اما «موری شوارتز» همچنان در کلاس‌هایش از مفهوم هستی حرف می‌زند. او در پارادوکس عجیب زندگی و مرگ، پس از سال‌هایی از شاگردانش را در سه شنبه‌ای جاودانه ملاقات می‌کند. این سه شنبه‌ها ادامه می‌یابد و روایت این روزها اساس داستان را تشکیل می‌دهد.

موری کوتاه‌قد است و کم‌مو و با نداشتن ظاهری دلچسب، شانس برای دیده‌شدن ندارد اما در کلاس‌های درسش، به مفاهیم عمیقی چون عشق، احساس، زندگی، ازدواج و ترس از پیری، می‌پردازد و مرگ را موضوع آخرین پروژه تحقیقی خود قرار می‌دهد.

او یک انسان است و برای خودش، غم‌ها و ناتوانی‌هایش راحت‌تر از عزاداری می‌کند اما به باور بزرگی در زندگی رسیده که آن پذیرش دردها و لذت بردن از لحظه اکنون است.

شگفت‌این‌که وقتی به تدریج توانایی تک‌تک عضلاتش را از دست می‌دهد، نمی‌تواند به دستشویی برود و مجبور است برای تخلیه ادرار و مدفوع خود از پرستار کمک بگیرد؛ شرم را کنار می‌گذارد، داستان را طور دیگری می‌بیند و می‌گوید انگار به دوران کودکی برگشته‌ام و دارم از آن لذت می‌برم.

این رمان کم‌حجم، از پژمرده‌شدن استادی حرف می‌زند که اگرچه زندگی از او دست شسته اما تا آخرین لحظات از استاد بودنش استعفا نمی‌دهد و ارتباط با آدم‌ها را، راه توسعه و تعالی روح خود می‌داند.

میچ البوم، نویسنده و روزنامه‌نگار هم‌شانس در خانه‌اش را زده و در واپسین روزهای عمر استاد، سه شنبه‌هایی طلایی را با این مرشد برجسته، سپری می‌کند. بیخود نیست که این اثر در ۳۴ کشور و به ۳۰ زبان ترجمه و چاپ شده و پرفروش‌ترین کتاب سال در کشورهای بسیاری از جمله ژاپن، استرالیا، برزیل و انگلیس بوده است.

این رمان ۲۲۴ صفحه‌ای را «میچ البوم» نوشته و «مندی نجات» ترجمه کرده است. چاپ چهل‌وسوم آن به دستم رسید و جذابیت‌های محتوایی آن باعث شد دو بار آن را بخوانم. خوب که می‌اندیشم احساس می‌کنم همه ما یک موری هستیم، به بیماری لاعلاجی مبتلا شده‌ایم و هر روز به مرگ نزدیک‌تر. اما فرق ما با موری این است که پزشکان هنوز نتوانسته‌اند بر سر تاریخش به توافق برسند. در این کتاب با عبارت‌ها و جمله‌های ناب رویه‌رو می‌شویم؛ مثلاً این‌که «گاهی زیر بار موفقیت‌های کاری مدفون شده‌ایم»، یا «فرهنگ و سنت به مردم یاد نمی‌دهند

درباره خودشان احساس خوبی داشته باشند»،

«زود تسلیم نشو اما زیادی هم نجسب»،

«مرگ به زندگی خاتمه می‌دهد، نه به رابطه» و

خلاصه در اختتامیه این کتاب نویسنده جمله جالبی می‌نویسد که در

عمق جانم نشست: «به هیچ وجه دیگر خیلی دیر

شده، نداریم.»

چند خط درباره کتاب «روشنای بدر»

احساس قشنگ زیارت و هم‌کلامی با انسان‌های بی‌رنگ



مثل کوه پشتم سنگینی می‌کرد؛ آنچنان سخت که بعد از آن تصمیم گرفتم دیگر در این عرصه نویسندگی و چنین کردم. باید مدتی دور می‌شدم از همه چیز و همه آدم‌هایی که مرا به این دنیا می‌کشاند....

بعد از ۱۶ سال خواستم که کنار یکشم. آدم‌ها باید یک‌جا می‌بودند و در آنجا می‌توانستند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. آن هم یک نفس عمیق طولانی تا تمام وجودش را از انبوه احساسات صدها نفری که پای درددل‌شان نشسته، خالی کند و این ایستادن طولانی شد و چه خیال بیهوده‌ای بود نفس‌گرفتن؛ تازه جنگ در غزه شروع شد. ابعاد این اتفاق بزرگ تمام توجهم را به خود جلب کرد و باعث شد بیشتر در شبکه‌های اجتماعی بچرخم و بعد از آن بود که محکم با زمین برخورد کردم. به نظر آمد یک آن از سیاره‌ای دیگر به اینجا پرتاب شدم. چه مفاهیم مقدس و شکوهمندی که در مجازی سفید می‌شدند و خلاصه یک آن چشم باز کردم و دیدم دنیای شکوهمند عشق‌های عمیق و اصیل جای خودش را به سرگرمی‌های موقت و سطحی و دم‌دستی داده است.

حالا بعد از این نفس‌گرفتن طولانی که لحظه‌ای بدون دغدغه نگذشت، شاید وقت آن رسیده باشد که مسیری جدید آغاز شود؛ راهی نو، طرحی نو یا ایده‌هایی که انگیزه‌ات را بازگرداند و این انرژی‌های خفته را سامان دهد.

مرضیه نظریلو

نویسنده



«روشنای بدر» برای من فقط عنوان یک کتاب نیست، مجموعه‌ای از خوشی‌ها و ناخوشی‌ها در حوزه پژوهش و نویسندگی است. کتابی که پنج سال مشغولم کرد و مصاحبه‌هایی که مرا در شهرهای ایران و عراق چرخاند. برای من که می‌دانم مصاحبه زمانی بار می‌دهد که بتوانی اعتماد مصاحبه‌شونده را جلب کنی تا دریچه‌های قلبش را به رویت بگشاید، حرف‌زدن با مجاهدین عراقی که فارسی و عربی را در هم می‌آمیختند، کار سختی نبود. در اوج شیوع کرونا آن روزهایی که جهان فقط می‌دانست یک بیماری همه‌گیر آمده و تنها راهش قرنطینه است، به طرز شگفت‌آوری مجوز ورود ما به عراق صادر شد؛ آن هم درست ۱۰ روز قبل از اربعین.... سال ۱۳۹۸ در سکوت، مرز خالی مهران را پشت سر گذاشتیم و به عراق رسیدیم تا در بغداد مهمان ابوالثیر باشیم. ابوالثیر مجاهدین عراقی را می‌شناخت و ساعات مصاحبه را تعیین می‌کرد. از ۱۰ صبح تا سه نیمه شب! وقتی تعجب مرادید، خندید و گفت: «اینجا صبح همه می‌خوانند! حاج قاسم هم که می‌آمد می‌گفت من با عراقی‌ها می‌خواهم و با ایرانی‌ها بلند می‌شوم!»

مجاهدین را دوست داشتم. چیزی از جنس آرزوها و آرمان‌های مشترک ما را به هم پیوند می‌داد. وقتی استکان چای تلخ را به سنت عرب‌ها از توی سینی برمی‌داشتم یا ماهی کبابی را با دست می‌خوردم، خوب نگاهم می‌کردند تا ببینند با آداب‌شان خو گرفته‌ام یا نه و وقتی خیال‌شان راحت می‌شد، پرده از خاطرات قدیم برمی‌داشتند.

در این نشست‌ها که فراتر از یک جلسه مصاحبه بود، گاهی چنان روانی‌ای در کلام پیش می‌آمد که حرف‌های نگو هم گفته می‌شد و من که می‌دانستم، هم باید رازدار باشم، هم امانتدار، هم گوش بدهم و هم دل، هم غمگین بشوم و هم شاد و بالاتر از همه این‌که قدر این اعتماد را بدانم و باور داشته باشم که آدم‌ها قبل از زبان با قلب‌های‌شان احساسات یکدیگر را فهم می‌کنند.

برای من روشنای بدر با احساس قشنگ زیارت اربعین و هم‌کلامی با انسان‌های بی‌رنگ آغاز شد اما این‌گونه تمام نشد. وقتی بعد از پنج سال در یک مراسم باشکوه با حضور فرمانده کل سپاه کتاب رونمایی شد، خوشحال نبودم. سنگینی فشار کار و حرف و حدیث‌های بی‌ربط و دخالت‌های نامتعارف و نفهمی متولیان فرهنگی

دعوت به همکاری



شرکت گروه صنعتی سپاهان

تولیدکننده انواع لوله و مقاطع فولادی، به‌منظور تکمیل نیروی انسانی

مورد نیاز خود در قسمت‌های ستادی کارخانه از واجدین شرایط

زیر دعوت به همکاری می‌نماید.

شرایط احراز و معرفی شغل

عنوان شغل	رشته تحصیلی	مقطع تحصیلی	حداکثر سن	جنسیت	سایر شرایط
کارشناس حسابداری	حسابداری	لیسانس	۳۵ سال	مرد/زن	حداقل ۲ سال سابقه مرتبط توانایی کار با سیستم‌های مالی (راهکاران) آشنایی با اکسل تسلط به صدور اسناد حسابداری و کنترل داخلی

نحوه ارسال مدارک:

متقاضیان گرامی می‌بایست رزومه کامل خود را به‌صورت تایپ شده، حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

از طریق پیام‌رسان ایتا به شماره ۰۹۱۳۳۰۸۴۸۱۶ (روابط عمومی) ارسال نمایند.

(لطفاً از هرگونه تماس تلفنی و مراجعه حضوری خودداری گردد.)

روابط عمومی شرکت گروه صنعتی سپاهان

